

قطره اما دریا

مناسب: ورود حضرت معصومه س به شهر قم

موضوع: رمز گشایی از عنصر اصلی در شخصیت حضرت معصومه س براساس تبیین مقام معظم رهبری از معنای ولایت در کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن

پیام: مقام معظم رهبری: «اقتصاد کشور به هیچ وجه نباید به تحولات خارجی پیوند بخورد» (۲ شهریور ۱۳۹۹)

متن سخنرانی:

اگرچه درباره حضرت معصومه س، مطالب کمی به ما رسیده است ولی همین کم، حاکی از عظمت شخصیت این بانو هست. ما می خواهیم امشب رمز گشایی کنیم از عنصر اصلی در شخصیت حضرت معصومه س که او را دارای چنین شان و جایگاهی نزد پروردگار عالم کرده است.

ما در زیارت نامه حضرت معصومه س، می خوانیم که این بانو نزد خدا دارای شان و شئوناتی هست. «فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأناً مِنَ الشَّانِ» (زیارت نامه حضرت معصومه س) این شان و جایگاه، جایگاه کمی نیست. مثلاً فرمودند هرکسی به زیارت حضرت معصومه س برود بهشت برای او واجب می شود. «مَنْ زَارَهَا عَارِفاً بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ» (بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۶۶) همان اثری که در زیارت با عظمت ابی عبدالله هست در زیارت حضرت معصومه س قرار داده شده است این عجیب نیست؟

یا فرمودند شفاعت تمام شیعه به دستان حضرت معصومه س رقم می خورد. «تَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ» (بحار، ج ۵۷، ص ۲۲۸) این مقام، مقام کمی هست؟ شفاعت بی حساب و کتاب نیست؛ فرمود: «يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَدِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ» (طه، ۱۰۹)، امروز شفاعت فایده ندارد مگر کسی که خدا به او اجازه شفاعت داده باشد؛ تازه این شفاعت محدودیت دارد؛ همه نمی

توانند شفاعت کنند، آنهایی هم که اجازه شفاعت دارند، به قدر قرب و مقاماتشان به آنها اذن شفاعت می دهند، مگر چقدر دستان حضرت معصومه س چقدر باز هست که می تواند تمام شیعیان را شفاعت کند؟

یعنی حضرت معصومه س شان حضرت زهرایی برای شفاعت دارند؛ همان طور که فرمود در قیامت زهرای مرضیه س، می آیند و شفاعت می کنند، بنابراین این مقام شفاعت برای حضرت معصومه س در این حد و اندازه، یعنی همه شیعیان، چیز کمی هست؟

آیا صرف دختر موسی بن جعفر بودن، حضرت معصومه س او را به این نقطه طلایی و عالی رسانده است؟ خب حضرت موسی بن جعفر ع، دختر و پسر کم نداشتند چرا چنین مقاماتی درباره بقیه فرزندان موسی بن جعفر ع بیان نشده است؟ چنین شان و جایگاهی مثل حضرت معصومه س برای دیگر فرزندان موسی بن جعفر س مطرح نیست؟

اگر این نیست پس چه عاملی باعث شده که حضرت معصومه به چنین شان و جایگاه رفیع و بالایی دست پیدا کنند؟ در پاسخ به این پرسش ها تنها یک پاسخ به نظر می رسد که درست باشد و آن این است که شاید منظور از این شانی که خدا به حضرت معصومه س داده است، شان ولایت هست.

هم در سخنان اندکی که از حضرت معصومه س به ما رسیده موضوع اصلی این سخنان ولایت هست مثلا حضرت معصومه راوی بخش اصلی خطبه غدیر هست که فرمود: «من کنت مولاة فهذا علی مولاة» یا روایت نبوی «مَنْ مَاتَ عَلَيَّ حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا» و برخی روایات دیگر.

در سیره عملی حضرت معصومه س، هجرت حضرت معصومه س که منشا بسیاری از برکات تا به امروز هست، این هجرت بزرگ، چیزی از جنس ولایت مداری هست. همان طور که قرآن موضوع

ولایت را در کنار هجرت مطرح می کنند^۱ و مقام معظم رهبری هم به صورت مبسوط در کتاب طرح کلی اندیشه های اسلامی به رابطه ولایت و هجرت می پردازند. بنابراین برای رمز گشایی از این شخصیت با عظمت، باید برویم سراغ موضوعی به نام ولایت و ولایت مداری.

اگر ما دقتی کنیم به معنای ولایت، ولایت یعنی چی؟ کم کم می توانیم به ساحت عظمت حضرت معصومه س کمی نزدیک شویم. کمی عارف به حق حضرت معصومه س شویم. رمز گشایی کنیم از این شخصیت با عظمت. اما معنای ولایت چیست؟

ولایت یعنی به هم پیوستگی با ولی با ولایت مدارن و گسستن از جبهه مقابل ولی و ولایت مداران

ولایت یعنی به هم پیوستگی و پیوند فکر، قلبی و عملی با ولی و با ولایت مداران. هر دو با هم. و گسستن از جبهه مقابل ولی و ولایت مداران. این سه عنصر در کنار هم جمع شوند، به یک نفر می شود گفت تو ولایت مدار هستی.

این پیوند هم قراردادی نیست، یک پیوند حقیقی و از جنس یکی شدن هست. شبیه پیوند یک قطره به دریا، قطره وصل به دریا شد می شود دریا دیگر قطره نیست. حضرت ابراهیم فرمود: «فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي؛ هرکسی از من تبعیت کند، از من هست» (ابراهیم، ۳۶). بعد می شوی منا اهل البیت؛ در اثر ولایت مداری می شوی صاحب مقام ولایت و منا اهل البیت.

به هم پیوستگی فکری با ولی

عنصر اول ولایت چی بود؟ به هم پیوستگی با ولی و با ولایت مداران دیگر. به هم پیوستگی فکری، قلبی، عملی. اینکه نظرات من تابع نظر ولی باشد، در زیارت جامعه می خوانیم: «رَأَيْتَ لَكُمْ تَبِعَ» (الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۴).

۱ الأَنْفَالُ : ۷۲ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آوَوْا وَ نَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجَرُوا وَ إِنْ اسْتَنْصَرُواكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

در یک جامعه ولایت مدار، دو حاکمیت معنا ندارد. یک صدای واحد از این جامعه شنیده می شود. چند صدایی نداریم. هروقت ولی یک حرفی زد، در جامعه حرف های دیگری زده شده از نخبگان و مردم، این جامعه ولایت مدار نیست. می بینی دقیقا براساس نظریاتش توینتش با آن دشمنان یکی هست. چقدر این هم به هم پیوسته هستند

به هم پیوستگی قلبی با ولی

به هم پیوستگی قلبی، درباره سلمان ذکر شده است «جَعَلَ هَوَاهُ هَوَاَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ» سلمان با خود کاری کرده بود که حتی میل او مطابق میل امیر المؤمنین (علیه السلام) بود؛ یعنی در زوایای قلب او هم هیچ چیزی نبود جز آنچه که امیر المؤمنین (علیه السلام) می خواست. هر جا دیدی میل و علاقه ات خلاف علاقه های امیرالمؤمنین هست بدان آن نقطه دلت را سپردی به ولایت طاغوت، آنجا ولایت در سرزمین دلت حاکم فرما نیست.

به هم پیوستگی عملی با ولی

به هم پیوستگی عملی، یعنی سبک زندگی شما عین سبک زندگی اهل بیت باشد، امام صادق ع فرمود: «امیرالمؤمنین همیشه می فرمود تا وقتی که لباس و طرز غذا خوردن شما شبیه دشمنان نشود، سعادت مند خواهید بود. كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع يَقُولُ لَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ بِخَيْرٍ مَا لَمْ يَلْبَسُوا لِبَاسَ الْعَجَمِ وَ يَطْعَمُوا أَطْعَمَةَ الْعَجَمِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ ضَرَبَهُمُ اللَّهُ بِالذُّلِّ» (محاسن، ج ۲، ص ۴۱۰).

الان دشمنان زیاد به دین مردم کاری ندارند، بلکه به رفتار و سبک زندگی آنها کار دارند! می گویند: این ساندویچ ها را بخورید، این موسیقی ها را گوش دهید، این لباس ها را بپوشید... آنها روی سبک رفتار، لباس پوشیدن، مدل مو ... برنامه ریزی می کنند. چرا؟ چون رفتار دزد عقاید و علاقه های تو هست. رفتار تعیین می کند به چه چیزی فکر کنی؟ به چه چیزی علاقه مند بشوی؟

متاسفانه در مدارس ما، در منازل ما هم، الان کسی که می‌خواهد آموزش دینی بدهد، معمولاً اول سراغ جهان‌بینی و ایمان و بحث‌های کلامی و اعتقادی می‌رود نه سراغ اصلاح رفتار بچه‌ها. مدارس معارف محور داریم، مدارس ادب محور نداریم یا خیلی کم داریم. بیا برای معارف بگویم. بی خیال بابا. تو بچه را مودب کن؛ او خودش هم عقایدش سامان می‌یابد هم علاقه‌های دینی اش.

بچه تنبل و تن پرور بی ادب، عقاید را به نفع راحت طلبی خودش مصادر می‌کند این خیلی خطرناک هست، راحت طلبی خودش را با دین تئوریزه می‌کند. و چقدر خطرناک هست این بچه پس فردا مسئولیت پیدا کند.

ولایت یعنی به هم پیوستگی عملی جدای از به هم پیوستگی قلبی و فکری؛ امام صادق ع می‌فرماید کسی که دارای عمل هست، جز موالیان ما هست و کسی که دارای عمل نیست، دشمن ما است. خیلی عجیب هست. بعضی‌ها در عمل با اهل بیت ع دشمنی می‌کنند.

پدر حضرت معصومه س فرمودند: «اگر من شیعیانم را بررسی کنم جز مردمانی زبان‌آور (و اهل حرف) بیش نیستند، و اگر آزمایششان کنم جز مردمانی از دین برگشته نیستند، و اگر در بوته‌شان گذارم از هزار نفر یک نفر سالم در نیاید، و اگر غربالشان کنم چیزی جز آنچه مخصوص منند در غربال نمانند، اینها دیر زمانی است که بر بالشها تکیه زده و گفته‌اند: ما شیعه‌علی هستیم، در صورتی که تنها شیعه‌علی آن کسی است که کردارش گفتارش را تصدیق کند (و عملش با حرفش یکی باشد). قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ ع لَوْ مَيِّزْتُ شِيعَتِي لَمْ أَجِدْهُمْ إِلَّا وَأَصْفَهُ وَ لَوْ امْتَحَنْتَهُمْ لَمَا وَجَدْتَهُمْ إِلَّا مُرْتَدِّينَ وَ لَوْ تَمَحَّصْتَهُمْ لَمَا خَلَصَ مِنَ الْأَلْفِ وَاحِدٌ وَ لَوْ غَرَبَلْتَهُمْ غَرَبَلَةً لَمْ يَبْقَ مِنْهُمْ إِلَّا مَا كَانَ لِي إِنَّهُمْ طَالَ مَا اتَّكُوا عَلَيَّ الْأَرَائِكِ فَقَالُوا نَحْنُ شِيعَةُ عَلِيٍّ إِنَّمَا شِيعَةُ عَلِيٍّ مِنْ صَدَقَ قَوْلُهُ فِعْلُهُ.» (کافی، ج ۸، ص ۲۲۸).

القبای ولایت، به هم پیوستگی فکری، قلبی و عملی با ولی این یک بخش از ولایت هست بخش دوم و سوم ولایت هم وجود دارد و آن این است که جدای از ارتباط قلبی، فکری و عملی با ولی، با ولایت مداران هم باید به هم پیوستگی داشته باشیم، هم فکری، هم قلبی و هم عملی، تازه باب مسائل اجتماعی ولایت مداری باز می شود. اینکه تنها اهل بیت را دوست داشته باشی کافی نیست، رابطه تو با بقیه ولایت مداران چطور هست؟ هم فکری دارید، هم دلی دارید؟ در عمل چطور؟ تعهدات عملی شیعیان نسبت به یکدیگر مثل مواسات، دستگیری کردن مالی چطور هست؟

«یکی از اصحاب امام باقر(ع) به حضرت گفت: قربانت کردم، شیعه در شهر ما زیاد است. فرمود: آیا آیا توانگر به تهیدست توجه می کند؟ و آیا نیکی کننده از کسی که [در جواب خویش] به او بدی کرده گذشت می کند؟ آیا به یکدیگر کمک مالی می دهند؟ عرض کردم: خیر. فرمود: آنها شیعه نیستند، شیعه کسی است که این کارها را نکند. عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (ع) جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ الشَّيْعَةَ عِنْدَنَا كَثِيرٌ فَقَالَ فَهَلْ يَعْطِفُ الْغَنِيُّ عَلَى الْفَقِيرِ وَ هَلْ يَتَجَاوَزُ الْمُحْسِنُ عَنِ الْمُسِيءِ وَ يَتَوَاسُونَ فَقُلْتُ لَا فَقَالَ لَيْسَ هَؤُلَاءِ شَيْعَةً - الشَّيْعَةُ مَنْ يَفْعَلُ هَذَا» (کافی، ج ۲، ص ۱۷۳). بنابراین بخش دوم ولایت، به هم پیوستگی فکری، قلبی و عملی مومنین با یکدیگر هست.

ما معمولاً در ولایت مداری خودمان، اصلاً بحث پیوند و ارتباط با ولایت مداران را محاسبه نمی کنیم. در حالی که این رکن دوم ولایت مداری هست. رابطه تو با ولایت مداران. ببیند اهل بیت چقدر ولایت مداران را داخل در ولایت مداری می کنند. شیعه نیست!

و از آن طرف چقدر چتر معنایی ولایت مداری را گسترده می کنند؛ تو فقط با اهل بیت نباید ارتباط داشته باشی. رابطه ات با ولایت مداران چطور هست؟ آنها هم رکن دوم ولایت مداری تو را تشکیل می دهند، همین همسایه هایت، همین هم شهری هایت، اهل بیت، آل محمد را وسعت دادند و فرمودند شیعیان ما جزء آل محمد هستند.

عمّار سبابطی گوید: نزد امام صادق علیه السّلام بودم که مردی گفت: «اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اهل بیت محمد امام صادق به او فرمودند: ای مرد! دایره صلوات را بر ما تنگ کردی. آیا نمی دانی که اهل بیت، [فقط] پنج تن آل عبا هستند. (آن مرد عرض کرد: چگونه صلوات بفرستم؟) (فرمود: بگو «اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» تا ما و شیعیان ما نیز داخل باشیم.

عَمَّارُ بْنُ مُوسَى السَّابَاطِيُّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ رَجُلٌ لِّلَّهِمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اهل بَيْتِ مُحَمَّدٍ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا هَذَا لَقَدْ ضَيَّقْتَ عَلَيْنَا مَا عَلِمْتَ أَنَّ اهلَ الْبَيْتِ خَمْسَةٌ اصْحَابُ الْكِسَاءِ فَقَالَ الرَّجُلُ كَيْفَ اَقُولُ؟ قَالَ قُلِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَنَكُونُ نَحْنُ وَ شِيعَتُنَا قَدْ دَخَلْنَا فِيهِ. «(ثواب الاعمال، ص ۱۵۸)

برخی چه کلاسی هم می گذارند برای این ولایت گریزی خودشان می گویند فقط با ولایت اهل بیت ع بستیم. کاری به ولایت فقیه و جامعه و استکبار نداریم. در حالی که حضرت فرمود: کسی با ما اهل بیت دشمنی نمیکنند بلکه دشمن ما اهل بیت کسی هست که با شما دشمنی می کند، «عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ قَالَ سَمِعْتُ اَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لَيْسَ النَّاصِبُ مَنْ نَصَبَ لَنَا اهلَ الْبَيْتِ لَانَّكَ لَا تَجِدُ اَحَدًا يَقُولُ اَنَا اَبْغَضُ مُحَمَّدًا وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَكِنَّ النَّاصِبَ مَنْ نَصَبَ لَكُمْ وَ هُوَ يَعْلَمُ اَنَّكُمْ تَتَوَالَوْنَ وَ تَتَبَرَّءُونَ مِنْ اَعْدَائِنَا» (صفات الشیعه، ص ۹). فضای دوستی و دشمنی اهل بیت را امام صادق ع برد به فضای دوستی و دشمنی با شیعیان اهل بیت ع.

بخش سوم ولایت مداری؛ گسستن فکری، قلبی و عملی از جبهه مقابل ولی و ولایت مدران

بخش سوم ولایت مداری، گسستن فکری، قلبی و عملی از جبهه مقابل ولی و ولایت مدران هست. در واقع آن روی سکه ولایت مداری، این گسستن فکری، قلبی و عملی از جبهه مقابل ولی و ولایت مدران هست.

فرمود: «بَا اَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَّخِذُوْا الْيَهُودَ وَ النَّصَارَى اَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ اَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَاِنَّهُ مِنْهُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! یهود و نصاری را ولی (و دوست و تکیه گاه خود)، انتخاب نکنید! آنها اولیای یکدیگرند؛ و کسانی که از شما با آنان دوستی کنند، از آنها هستند» (مائده: ۵۱)

اگر از جبهه مقابل نگسستی دل به تمدن غرب دادی تو از آن هستی ولایت آنها را پذیرفتی از آنها هستی. قطره هستی در دریای طاغوت.

آیه الله بهجت می فرمودید: «اختلاط ما با کفار آخرش به همین جاها می کشد؛ یعنی ابتدا از مسلمانان پذیرایی می کنند و به آنها احترام می گذارند و آنها را به بلاد خود دعوت می نمایند و در تجارت و معاملات بازرگانی خود داخل می کنند و وقتی رؤسا و سیاستمداران مسلمانان مست پول و غیر پول شدند، حاضر می شوند امضا و امتیازات دهند تا آنها بر بلاد اسلامی حکومت کنند. بدین ترتیب، همجنسی و هم‌شکلی و اختلاط با کفار، تسلط و حکومت آنها را بر مسلمانان آسان تر می سازد.... ائمه‌ی ما علیهم‌السلام که فرمودند: با کفار اختلاط نکنید، در حقیقت برای حفظ دنیای ما بود و می‌خواستند دنیای ما را برای خود ما تأمین کنند. کار به جایی کشیده که کفار نفت و ثروت‌های طبیعی و ذخایر زمینی و معادن ما را به غارت می‌برند، بعد به‌عنوان تصدق و آقایی و یا به‌عنوان وام با بهره‌های کلان با تلطف و مهر و عطوفت به ما می‌دهند! اکنون ما مسلمانان اسیر و عبید آنها، و در زیر دست و چکمه‌ی آنها خوار و ذلیل هستیم، ولی هنوز نمی‌فهمیم برای چه این‌گونه شکست خورده‌ایم؟! آیا از عملکرد خود ماست و یا مثلاً از پریدن کلاغ؟!» (در محضر بهجت، ج ۱، ص ۳۲).

تمام بدبختی‌ها ما از اینجاست که فکر می‌کنیم منجی ما، در آمریکا هست. مذاکره با آمریکا، تنها راه حل مشکلات ما است. در حالی که واقعیت‌های بیرونی، می‌گوید که اینها دنیای ما را آباد نمی‌کنند.

ولایت مداری هست که دنیای ما را آباد می‌کند، همان طور که زهرای مرضیه س فرمود اگر کار را به ولایت می‌سپردید دنیای شما آباد می‌شد. و اگر ولایت مداران با هم همکاری می‌کردند کار به اینجا نمی‌رسید. و اگر نفوذی‌ها، سرنوشت کشور را به انتخابات آمریکا گره نمی‌زدند و این طور تلقین نمی‌کردند که دیدید با آمدن فلانی قیمت دلارها ریخت الان این وضع جامعه نبود.

«سَعِدَ مَنْ وَالَاكُمْ وَ هَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ» هر چقدر ما در عمل ولایت مدار بودیم؛ در عمل وضع جامعه مان خوب بود و هر جا در عمل دشمنی کردیم، هلاک شدیم. این هلاکت هم فقط اخروی

نیست هم دنیا، این وضع بدبختی ما به خاطر ولایت گریزی ها و ولایت ستیزی های ماست در مقام نظر، قلب و عمل.

مقام معظم رهبری فرمودند: «اقتصاد کشور به هیچ وجه نباید به تحولات خارجی پیوند بخورد» (۲ شهریور ۱۳۹۹) آیا در عمل این حرف درست عملیاتی شد؟ اگر نشد ما هنوز در ولایت مداری لنگ می زنیم؟

حضرت معصومه س، ولایت مداری بود که در اثر ولایت مداری به مقام ولایت رسیده بود. مثل قطره که وصل به دریا می شود. قدرت دریا را پیدا می کند هم می تواند شفاعت کند هم زیارت او مایه عاقبت به خیری و ضمانت بهشت شود.

دعا:

خدایا به حق حضرت معصومه س ما را شبیه حضرت معصومه س، ولایت مدار حقیقی قرار بده!